



خوانش تولید فضای معماری در دوران پهلوی و استیلای نهاد قدرت؛ مطالعه موردی یادمان آزادی*

درنا لطفی دمیرچی^۱، امیرمسعود دباغ^{۲*}، مصطفی مختاباد امرئی^۳

۱۴۰۰/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت مقاله :

۱۴۰۱/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مساله: در دنیای سرمایه‌داری تولید فضا توسط نهادهای حاکم مسلط بر جامعه انجام می‌شود و به‌مثابه ابزاری سیاسی برای کنترل، قدرت و سلطه، برای دولت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. تأثیر فضا به‌عنوان ابزاری سیاسی بر امور عملی فضا و ساخت بناها در پیوند با حوزه شهر و معماری قابل مشاهده است. لوفور این موضوع را از طریق بازنموده‌های فضا در نظریه «تولید فضا» مطرح می‌کند و به این موضوع می‌پردازد که دولت‌ها با استفاده از معماری و شهرسازی به شکل ابزاری، از طریق سیطره بر فضا، به کنترل اعمال و افکار مردم پرداخته و ایدئولوژی‌های مورد نظر خود را به آنان القا می‌کنند. از این رو در این پژوهش شیوه سیطره نهادهای حاکمیت، از طریق بازنموده‌های فضا در معماری معاصر ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤال تحقیق: استفاده ابزاری دولت پهلوی از معماری در اعمال سیطره بر فضا چگونه بوده است؟ حاکمیت از طریق معماری در پی القای چه مفاهیمی بر کاربران فضا بوده است؟

اهداف تحقیق: هدف این پژوهش تشریح چگونگی استفاده از معماری و شهرسازی در سیطره بر فضا و القای معانی و مفاهیم مورد نظر حاکمیت در دوران سلسله پهلوی است.

روش تحقیق: در این مقاله که از نوع کیفی است، داده‌ها بر پایه شیوه اسنادی و مشاهدات میدانی و تحلیل محتوایی گردآوری شد و پس از سازماندهی داده‌ها، در مرحله ارزیابی توصیف، تحلیل و سنجش داده‌ها انجام گرفت و از طریق استدلال منطقی یافته‌های پژوهش به‌دست آمد.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: در دوره پهلوی اول شاهد تمرکز بر ایده‌ها و مفاهیم سیاسی مورد توجه نهاد قدرت در ساختار شهر و ساختمان‌های نظامی و غیرنظامی هستیم. در این دوران سلطه حاکمیت از طریق باستان‌گرایی، الگوبرداری از مدل‌های توسعه در شهرسازی اروپای قرن نوزدهم و ساخت بناهای عظیم و رفیع محقق شده است. این امر همسو با مدرنیته، القای قدرت، استقرار، پایداری و اعتبار بخشی به حاکمیت بوده است. در دوره پهلوی دوم این روند با اندکی تغییر، از طریق توسعه شهرها و ساخت بناهای عملکردی و یادمانی صورت گرفت و در این مسیر، هم‌زمان با توسعه و ساخت بناهای فرهنگی شاهد ساخت بناهای یادمانی هدفمند، از جمله یادمان آزادی هستیم که بار معنایی بیشتری را به‌همراه دارد. این کار با استفاده از الگوهای مختلف معماری ایرانی و مدرن، علاوه بر ارائه تعریف جدیدی از ایران مدرن، اهدافی مانند: نمایش شکوه و عظمت شاهنشاهی ایران، معرفی تمدن ایران باستان، اعتباربخشی به نظام شاهنشاهی و ایدئولوژی‌های حاکمیت را دنبال کرده است.

کلمات کلیدی: نظریه تولید فضا، فضای سیاسی، فضای مفهوم‌پردازی‌شده، بازنموده‌های فضا، هنری لوفور

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بازخوانی فضای معماری معاصر ایران با رویکرد نظریه تولید فضا» به راهنمایی دکتر امیر مسعود دباغ و مشاوره دکتر مصطفی مختاباد امرئی در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه می‌باشد.

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران، ایمیل: lotfi.dorna@gmail.com

^{۲*} دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره تهران، ایران، (نویسنده مسئول) ** ایمیل: dabaghamirmasoud@gmail.com

^۳ دکتری تئاتر، فیلم و ارتباطات، استاد گروه هنر و معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران، ایمیل: mokhtabm@modares.ac.ir

۱- مقدمه

موضوع فضا در دوران مختلف از وجوه متفاوت مانند ابعاد فیزیکی، روانشناسانه، پدیدارشناسانه، اجتماعی و سیاسی مطالعه شده است. در دوران معاصر اهمیت بازشناسی فضا در حوزه جامعه‌شناختی، منجر به شکل‌گیری سمت‌وسویی جدید و چارچوب‌های مفهومی و تحلیلی در جامعه‌شناسی معاصر شده است (ژلنیتس، ۱۳۹۶). در بین نظریه‌های اجتماعی فضا، نظریه‌های اجتماعی و سیاسی درباره فضا از نظریه‌های مورد توجه در این حوزه است. میشل فوکو، دلوز، گاتاری و لوفور از نظریه‌پردازانی هستند که بحث سیاسی فضا را با معماری و شهرسازی پیوند داده‌اند. فوکو استفاده از ابزار دانش و قدرت از فضا را برای کنترل انسان‌ها و جوامع مطرح می‌کند، که با استفاده از ابزار معماری و شهرسازی محقق می‌شود. لوفور نیز نظریه تولید فضا و سه‌گانه دیالکتیک آن را مطرح کرده است. «تولید فضا» رساله‌ای است که نشان می‌دهد فضا چگونه در خدمت نهادهای قدرتی است و چگونه هژمونی بر اساس یک منطق اساسی و با کمک دانش و تخصص فنی «سیستم» از آن استفاده کرده است (Lefebvre, 1991: 11). در سه‌گانه تولید فضا، پرنکس‌های فضایی، محیط مادی و بیرونی؛ فضای بازنموده، رابطه اجتماعی زیست‌شده کاربران با محیط و بازنموده فضا، مدلی مفهومی برای هدایت پرنکس‌ها (moore, 1995) و فضایی مفهوم‌پردازی شده به‌عنوان ابزاری برای سلطه نهادهای قدرت است (lefever, 1991: 11). لوفور فضای مفهوم‌پردازی‌شده را بعد سیاسی فضا و تحت سلطه نهادهای حاکمیت می‌داند. به اعتقاد لوفور فضا، ابژه‌ای علمی عاری از سیاست و ایدئولوژی نیست بلکه همیشه سیاسی و استراتژیک بوده (Lefever, 1976: 341) و در تمامی شکل‌های زندگی اجتماعی و در تمام انواع اعمال قدرت بنیادی است (Foucault, 1984: 252). فضا قلمرو قدرت و عاملی بنیادی در دنیای سرمایه‌داری است (Lefebvre, 1991, Soaita &)

(Dewilde, 2019) و تولید این فضای سرمایه‌داری توسط بورژوازی حاکم صورت می‌گیرد. در این شرایط، فضا به ابزاری برای کنترل، قدرت و تسلط تبدیل می‌شود. تأثیر سرمایه‌داری در امور عملی مربوط به فضا، ساخت ساختمان‌ها و توزیع سرمایه‌گذاری در تقسیم جهانی کار و از طریق بازنمایی فضا که فضای مسلط در جامعه و هم‌بسته دانش، نشانه‌ها و رمزها مشهود است (Lefebvre, 1991: 33). بنابراین فضا به عنوان ابزاری سیاسی برای دولت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. دولت‌ها فضا را به‌گونه‌ای به کار می‌گیرند که تضمین‌کننده کنترلشان بر مکان‌ها، سلسله‌مراتب غیرمنعطف، همگنی کل و تفکیک بخش‌ها باشد. همچنین نهادهای قدرتی چگونگی بازنمایی فضا را کنترل کرده و چگونگی تولید و سازماندهی آن را در کنترل دارند، از این روی فضا، فضایی کنترل شده و حتی تحت مراقبت امنیتی است (Gottdiener, 1985: 46). اعمال قدرت در زمان و مکان‌هایی متفاوت، به‌دست بسیاری از افراد، نهادها و سازمان‌ها و به اشکال گوناگون اتفاق می‌افتد. بنابراین فضا عاملی تعیین‌کننده در عملکرد و سازماندهی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است (Foucault, 1977: 70-149). ساخت قدرت و نظام حکومت که مینیاتوری از کل روابط جامعه است در شهرها محقق می‌شود (محمدی، ۱۳۷۵: ۶۰۵). بنابراین شهرها کانون قدرت و ثروت بوده و به‌واسطه استقرار بخش اعظمی از مراکز، سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و دولتی به نقطه ثقل قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک بدل شده‌اند (عسگری، ۱۳۵۸: ۷۹). این مکان‌های کانونی، تجلی قدرت و نمادی از شکوه و جلال حکومت‌ها هستند (سلطانی و نامداریان، ۱۳۸۹: ۱۲۵). ساختار قدرت به معنای ابزارهایی است که حکومت‌ها برای دستیابی به اهداف همه‌جانبه خود از آنها استفاده می‌کنند، معماری و شهرسازی از جمله قدرتمندترین ابزار در دست حکومت‌ها است به‌طوری که در دوره‌های مختلف تاریخی شاهد ساخت بناها براساس اولویت‌های ساختار



بررسی این مطلب بوده است که دولت‌ها چگونه از طریق فضا، هژمونی خود را بر کاربران اعمال می‌کنند و همچنین به دنبال ایجاد تغییری در مفهوم‌پردازی‌های رایج درباره فضا بوده و در این راستا با استفاده از تلقی خاص خود از منطق دیالکتیکی هگلی - مارکسی، فضا را مفهوم‌پردازی کرده است و به تحلیل این موضوع می‌پردازد که فضا علاوه بر آنکه اجتماعی است و تولید و بازتولید می‌شود، سیاسی نیز هست (جوان و دیگران، ۱۳۹۲). آقایی و دیگران در پژوهش «تولید و بازتولید فضا در چرخهٔ دوم انباشت سرمایهٔ نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته» نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته انجام داده‌اند که بیانگر تسلط سرمایه بر فضا است و فرایندهای تولید فضا و سپس فرآورده‌های آن با استناد به دستگاه فکری لوفور و هاروی را تحلیل کرده‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند که زندگی روزمره شهروندان در فضای زیسته یا چرخهٔ دوم انباشت سرمایه، حامل ابژگی و انفعال و مصرف‌گرایی آنان است (آقایی و دیگران، ۱۳۹۸). رشیدزاده، طهماسبی، حبیبی، در پژوهش «فضای معماری در سیطره سرمایه: واکاوی شکل‌گیری فضای معماری از دیدگاه نظریه تولید فضای لوفور» از طریق نظریه تولید فضای لوفور فضای معماری را مطالعه کرده و به بررسی نقش معماری در تعریف، خلق و سازماندهی فضا به عنوان ابزاری برای الزامات گردش سرمایه در جوامع سرمایه‌داری پرداخته‌اند، که توسط شهرسازی و معماری انجام می‌پذیرد و سرمایه‌داری، معماران را در راستای منافع خود برای سلطه بر فضا به خدمت می‌گیرد (رشیدزاده و دیگران، ۱۳۹۸). یزدانیان، دادشپور، در پژوهش «مسئله حضور در فضا: آگاهی و عاملیت فضایی» با ارجاع به نظریهٔ تولید فضای لوفور، مسئلهٔ حضور افراد در فضا، مقوله‌های تولید و بازتولید فضای شهری و چگونگی ارتباط متقابل آن با مناسبات قدرت در فضای شهری؛ زمان، تجربه، خودآگاهی فضایی و حضور و مقاومتِ سوژه در فضا، به بحث در این موارد پرداخته است (یزدانیان، دادشپور، ۱۳۹۵). زیلینک در پژوهش «سیاست فضای لوفور: برنامه‌ریزی شهری به عنوان اوور» با به‌کار بستن دو نظریه «تولید فضا» و «حق به شهر» لوفور که منعکس‌کننده تمرکز و دیدگاه او در شیوه‌ها، معانی و

قدرت هستیم، کاخ‌ها و معابد پیش از اسلام، مساجد و بناهای مذهبی پس از ورود اسلام به ایران، از این دست بناها هستند.

۲- پرسش‌های تحقیق

- استفادهٔ ابزاری دولت پهلوی از معماری برای تسلط بر فضا چگونه بوده است؟
- حاکمیت از طریق معماری به دنبال القای چه مفاهیمی به کاربران فضا بوده است؟

۳- فرضیه تحقیق

از آنجا که در دوران پهلوی تفکرات دیکتاتوری هم‌راستا با دیکتاتوری غالب در جهان بوده است، این پژوهش بر اساس این فرضیه شکل گرفت که دولت در راستای تفکرات دیکتاتوری خود از معماری و شهرسازی بهره برده و با استفاده ابزاری از معماری و شهرسازی به دنبال القای معانی و مفاهیم مورد نظر خود بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد تمرکز بر ایده‌ها و مفاهیم سیاسی مورد توجه نهاد قدرت در ساختار شهر، در ساختمان‌های نظامی و غیرنظامی محقق شده است و حاکمیت از این طریق فضا را به سلطه خود در آورده است.

از آنجا که همه تحولات در زمینه معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول، بر اساس ایده‌های مدرن و غیرسنتی، توسط ساختار دولت و در راستای برنامه‌های سیاسی و دولتی و به‌طور مستقیم زیر نظر سازمان‌های نظامی و دولت به عنوان مجری انجام شده است، به نظر می‌رسد حاکمیت از طریق معماری با شیوه‌های گوناگون به دنبال بازیابی شکوه و عظمت شاهنشاهی و القای قدرت، اقتدار و پایداری حاکمیت خود بوده است. این روند در دوران پهلوی دوم هم ادامه یافته است.

۴- پیشینه تحقیق

در رابطه با سیاسی بودن فضا و بُعد سیاسی آن پژوهش‌های متفاوتی در نظریه تولید فضا انجام شده است که هر یک از منظر خود به بررسی این نظریه و بعد سیاسی فضا در آن پرداخته‌اند. برای مثال جوان، دلیل، سلمانی؛ در پژوهش «دیالکتیک فضا از منظر لوفور» به معرفی نظریه تولید فضای لوفور پرداخته‌اند و بیان می‌دارند که لوفور با ابداع نظریهٔ تولید فضا به دنبال

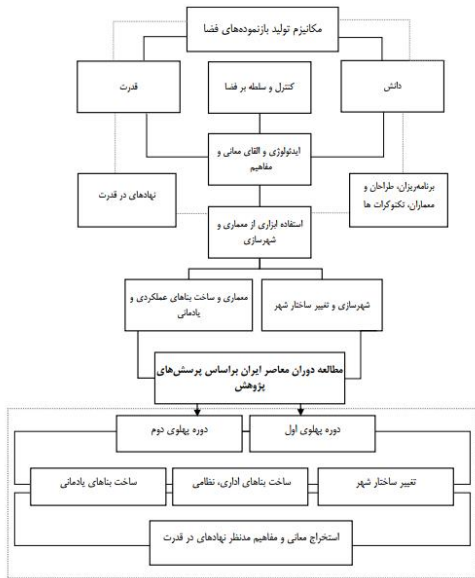


مفهوم‌پردازی‌شده در نظریه تولید فضا و بحث سیاسی بودن فضا، شکل گرفته است. بنابراین پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های سیاسی فضا در فضای مفهوم‌پردازی‌شده، نیروهای تأثیرگذار بر بازنموده‌های فضا، شناسایی و رابطه آن با فضاهای کالبدی معماری استخراج و به صورت مدل تحلیل (نمودار ۱) ارائه و در معماری دوره پهلوی مورد آزمون قرار گرفت و از آنجا معانی و مفاهیم مدنظر نهادهای قدرتی استخراج شد که از دستاوردهای این پژوهش است.

ارزش‌های مرتبط با سکونت و استفاده از فضاهای اجتماعی زندگی روزمره است، به مطالعه پرداخته است (Zieleniec, 2018). کام ان جی و دیگران در پژوهش «پرکتیس‌های فضایی، فضای تصور شده و فضای زیسته: "حماسه پیرس" از طریق لنزهای لوفور» از طریق تحلیل سه‌گانه فضایی لوفور به بررسی عملکرد اسکله‌ها در هنگ‌کنگ و نقش هژمونی در آن، در دوران قبل و بعد از جنگ جهانی پرداخته است (Kam Ng, other, 2010).

۵- روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی است و از لحاظ هدف در زمره تحقیقات بنیادی کاربردی به شمار می‌رود. ماهیت آن توصیفی تحلیلی و تفسیری تاریخی است. در شیوه تفسیری تاریخی، محقق پدیده‌ای را در زمان گذشته بررسی می‌کند. پژوهش تاریخی به کلیت پژوهش کیفی نزدیک است و روند جست‌وجو و جمع‌آوری و سازماندهی مدارک، ارزیابی و تشکیل روایتی کل‌نگر و قابل باور از آنها نیاز است (گروت، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۷). گردآوری داده‌ها بر پایه دو شیوه اسنادی و مشاهده میدانی انجام گرفته است. در این راستا در بخش اسنادی از شناخت منابع، شیوه مرور متون، منابع اسناد کتابخانه‌ای، مقالات، مدارک، تصاویر و نقشه‌ها و در بخش میدانی از روش مصاحبه، تحلیل محتوایی و مشاهدات میدانی بهره برده است. در مشاهدات میدانی ویژگی‌های ساختاری و فضایی نمونه مورد نظر بررسی و داده‌ها گردآوری شد. پس از سازماندهی داده‌ها و یادداشت‌برداری، در مرحله ارزیابی، توصیف، تحلیل و سنجش داده انجام شد. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش استدلال منطقی مرتبط با چهارچوب نظری، تحلیل و بررسی شده است. استدلال منطقی فرایندی است که در آن بین چند حکم یا قضیه ارتباط دقیق و منظم برقرار کرده و از پیوند آنها نتایج به دست می‌آید (خوانساری، ۱۳۰۳: ۲۵۵). استدلال منطقی از راهبردهای پژوهش با کارکردی گسترده در حوزه پژوهش‌های معماری است. زیرا معماری به دلیل دارا بودن ماهیت میان‌رشته‌ای، حجم وسیعی از مباحث ذهنی، تاریخی و فلسفه را در برمی‌گیرد (میرجانی، ۱۳۰۵: ۱۵). پژوهش حاضر بر پایه فضای



نمودار ۱- مدل مفهومی - نظری پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

۶- مبانی نظری:

۶-۱- معماری و نظریه‌های سیاسی فضا

از اواخر قرن هیجدهم، معماری و شهرسازی به موضوع استفاده از فضا برای اهداف اقتصادی و سیاسی تبدیل شد (Foucault, 1977: 148). بحث سیاسی فضا در خوانش فضاهای شهری و روستایی، از طریق شهرسازی و معماری در دو بعد کلان و خرد مطرح می‌شود که در بعد کلان به چگونگی ساختار فیزیکی و جغرافیایی و در بعد خرد به فضاهای معماری از جمله کلیساها، قلعه‌های نظامی و زندان‌ها می‌پردازد (HIRST, 2005: 4) زیرا در فضاهایی مانند قلعه‌ها، کاخ‌ها، کلیساهای جامع و دژهای نظامی، قدرت نمادها آشکارا دیده می‌شود (Moore, 1995: 116). از این دوران معماری به



عنوان کارکردی از اهداف و تکنیک‌های اداره جوامع به کار گرفته شد و بعد فضایی عملکرد قدرت در آرایش و چیدمان فضا و از طریق آن در توزیع فعالیت‌های افراد، داخل و پیرامون فضای معماری و محیط شهر ملموس و انضمامی می‌شود، که در راستای ایجاد نظم در جامعه است و اینکه نظم جامعه چطور باید باشد، شهر چگونه باید باشد تا افراد از بیماری‌های همه‌گیر دور باشند؛ از شورش بپرهیزند و در نهایت زندگی پاک و اخلاقی داشته باشند. بنابراین تمام بحث‌ها درباره سیاست به شکل هنر حکمرانی بر افراد، با حوزه شهر و معماری پیوند خورد و شهرها با شکل‌های خاصی که به خود گرفتند به مدل‌هایی برای عقلانیت حکومتی و سلطه قدرت تبدیل شدند (Foucault, 1984:239-241). قدرت پدیده‌ای است که در مکان و زمانی خاص پدید می‌آید. فوکو در رابطه با فضا و ساخت قدرت بیان می‌دارد که انضباط مستلزم ایجاد حصار و اختصاصی کردن یک مکان و استفاده از معماری به شکل‌ها و کارکردهای گوناگون بوده است. به عنوان مثال فضاهای آموزشی، درمانی، تولیدی یا تنبیهی از این دست فضاها هستند که با مجموعه‌ای از کنترل‌ها همراه است (فوکو، ۱۳۹۰: ۱۷۷-۱۸۰ & ۲۵۶-۲۵۷). این کنترل فضایی در نظریه لوفور از طریق بازنموده فضا یا فضای مفهوم‌پردازی شده محقق می‌شود، که به شکل مدلی مفهومی، پرکنیسی‌های افراد را هدایت و کنترل می‌کند و از این طریق تعیین می‌کند که چه کسانی، به چه شکل و در چه زمانی از فضا استفاده کنند. (Moore, 1995). بازنموده‌های فضا به شکلی گفتمانی در قلمرو دانش تخصصی و از طریق نخبگان در قدرت و تمامی آنانی که دارای گرایش علمی هستند، ساخته می‌شود. این فضا دربرگیرنده نشانه‌های نهان، زبان فنی، رمزگذاری‌ها و بازنمایی‌های عینیت یافته متنوعی است که از طریق این کنشگران تولید و استفاده می‌شود و فضایی تصور شده و انتزاعی است که از طریق نقشه‌ها و برنامه‌ها، اطلاعات موجود در عکس‌ها و نشانه‌ها بازنمایی می‌شود (Merrifield, 1993:523). بازنموده‌های فضا نقشی اساسی و تأثیری ویژه در تولید فضا دارند. این تأثیرگذاری در همه بناهای تاریخی و برج‌ها، کارخانه‌ها و محدوده‌های اداری، اقتدارطلبی

بوروکراتیک و سیاسی و به عبارت دیگر در فضای سرکوبگر ظهور و بروز عینی یافته‌اند (Merrifield, 2006). به عبارت دیگر، هژمونی سرمایه‌داری در و به واسطه فضا و از طریق کنترل ساختار و طرح فضاهای شهری و معماری به دنبال کنترل و نظم بخشیدن به جامعه، عملی می‌شود (Lefever, 1991: 287). بنابراین نوعی چشم قدرت در معماری وجود دارد که معماری را به شکلی از گفتمان تبدیل می‌کند که در آن دانش فضا، فرم‌های فضایی برای متمرکز کردن روابط قدرت را تولید می‌کند (حاجی رضا تهرانی، ۱۳۸۸: ۲۶).

۶-۲- معناسازی از طریق بازنموده‌های فضا در معماری

ساختن یا تولید فضا به یک اندازه در گرو کنشگرهای مادی و قلمروهای مفهومی است. در این مورد لوفور صومعه را به عنوان نمونه‌ای از فضایی که هم ابعاد ذهنی و هم ابعاد مادی فضا را درهم می‌آمیزد، مثال می‌زند، صومعه جایی است که فضای ذهنی (فضای تعمق و گوشه‌نشینی) توانسته خودش را به شکلی نمادین ابراز کند و به بخشی از پرکنیسی تبدیل شود. شهرهای مدرن نمونه دیگری از تجربه ساخت/ مفهوم‌ها را به نمایش می‌گذارند (Lefebvre, 1991: 465). مناظر شهری، چشم‌اندازها، نماها، پلان‌ها و غیره یعنی بازنمایی‌های فضا برای برتری نخبه‌های حاکم به عنوان فرمانروایان فضا برای کنترلشان بر فضا مورد استفاده آنان قرار می‌گیرد و این تسلط دیداری از طریق هنر در امر شهری خودنمایی می‌کند (Lefever, 1991: 173). همچنین معماری به عنوان ابزاری برای خلق شکل‌هایی از فضا برای تلقین و تعلیم مورد استفاده واقع می‌شود (حاجی رضا تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۶). به عبارت دیگر از معماری و طراحی برای درونی کردن ارزش‌های هنجاری در مکان‌ها و در کل فضای اجتماعی استفاده می‌شود (Zieleniec, 2007: 143). به طوری که حتی در ساخت گزینشی یادمان‌ها و تندیس‌های عمومی هم تجلی پیدا می‌کند و در آن ایدئولوژی‌های تاریخ‌های مسلط فرهنگی خاص، یعنی فرهنگ نخبه‌ها بازنمایی شده است. هژمونی از این طریق تعیین می‌کند کدام سوزه یا رخداد تاریخی شایسته بازنمایی عمومی است و



این سوژه کجا باید قرار بگیرد. به این معنا که معماری به شکل یادمان‌ها و هنر عمومی، تلویحاً یا آشکارا حامل پیام‌ها و معانی مورد نظر حاکمان در قدرت است (هاروی، نقل از ترکمه، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۱۴). وقتی چنین اجماعی بین فضا و کاربران آن اتفاق می‌افتد، هژمونی حاصل می‌شود. در واقع متخصصان از این طریق به کاربران فضا تحمیل می‌کنند تا مردم در راستای آنچه مورد نظر آنها است فکر کنند (Kam Ng & others, 2010). به عبارت دیگر هژمونی قدرت از طریق برنامه‌ریزی و طراحی شهری و معماری به‌دنبال القای ارزش‌ها، معانی، هنجارها و ایدئولوژی‌های مورد نظر خود است (Lefever, 1976: 29) و اینکه فضا چگونه ادراک شود، چگونه تابع منطق، رمزها، نظریه‌ها و مواردی این‌چنینی شود، در راستای همین ایدئولوژی است. زیرا چگونگی بازنمایی فضا پیامد چگونگی استفاده از آن است و اینکه فضا به چه منظورهایی، برای استفاده چه کسانی، چه زمانی و چرا استفاده شود؟ بنابراین بازنموده‌های فضا همانند منظومه‌هایی از قدرت، دانش و فضامندی (Gregory, 1994: 403) و منعکس‌کننده نیروهای مسلط و هژمونیک در تولید و بازتولید فضا، در راستای معناسازی هستند. به این ترتیب نهادهای قدرتی که در لایه‌های پنهان، سعی در سلطه بر فضا دارند از طریق بازنموده‌های فضا و استفاده از المان‌ها و یادمان‌های گزینشی به القای ایدئولوژی و مفاهیم مورد نظر خود پرداخته و از این طریق به کنترل فضا می‌پردازند.

۳-۶- نماد، ابزاری برای معناسازی در فضا

بخش زیادی از معناها موجود در متن‌های غیرزبانی، تداعی‌هایی را تشکیل می‌دهند که به صورت بینامتنی و به صورت گفتمان برهه‌های تاریخی، رخ داده‌ها، بناها، نوشته‌ها و شخصیت‌ها و مانند آنها و به صورت نماد نمایان می‌شود (ساسانی، ۱۳۹۱). نماد اصطلاحی است که بار معنایی‌اش فراتر از معنای قراردادی‌اش بوده و کیفیتی روانی را بیان می‌کند (فوردهام، ۱۳۴۶: ۴۰). نماد بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی است که از طریق آن می‌توان به فرهنگ و افکار گذشتگان پی برد زیرا حامل بار معنایی است (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۹۳). نمادها روابط

مدنظر خود را در قالبی کوچک، اشاره‌ای، تصویری، کنایه‌ای، حرکتی و کلامی ارائه می‌دهند (بهمنی و صفاران، ۱۳۸۹: ۱۸) و از آنجا که ارزش‌ها به واسطه انتزاعی بودن به‌طور کامل درک نمی‌شوند، نمادها می‌توانند برای افراد تجسم ارزش‌های خاصی شوند و معانی خاصی پیدا کنند. به این طریق نماد از شکل انتزاعی خود خارج شده و به شکلی عینی تبدیل می‌شود و می‌تواند به عنوان ابزاری ارتباطی بین دولت‌ها و ملت عمل کند و دولت‌ها از این طریق بر قابلیت و ظرفیت تجهیز منابع مادی و معنوی خود در محیط داخلی و بین‌المللی می‌افزایند (قوام، ۱۳۸۹: ۲۸۲). علاوه بر آن نظام سیاسی از طریق نمادها در راستای مفاهیم و معانی مدنظر خود بهره برده و از طریق نمادها و نشانه‌ها مفاهیم مدنظر خود را به کاربران فضا القا می‌نماید (Lefever, 1976: 29). یک نماد علاوه بر اینکه در یک سرزمین شناخته شده است می‌تواند در سطح جهان نیز قابل شناسایی باشد و مشاهده نماد یک سرزمین می‌تواند در ذهن دیگر افراد از سایر سرزمین‌ها تاثیرگذار باشد. زیرا نمادها با معناسازی که از آنها می‌شود، معنادار می‌شوند (فیاض و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۶). نمادها از جمله عناصر مهم در معماری و شهرسازی هستند، که از آنها برای هویت‌بخشی در شهرها استفاده می‌شود و نقش هویت‌سازی نمادها و نشانه‌ها به گونه‌ای پررنگ است که حتی گاهی از خود شهر پراهمیت‌تر جلوه می‌کنند (لطفی و محمدی، ۱۳۹۱: ۶۴).

براساس چهارچوب نظری مطرح‌شده، بازنموده‌های فضا که فضای مفهوم‌پردازی شده است، تحت تأثیر نیروی قدرت و زیر نظر نهادهای سیاسی و سرمایه‌داری از طریق دانش و نظریه‌های علمی و حرفه‌مندان این حوزه به صورت تصور، محاسبه، بازنموده و ساخت‌وساز، محقق می‌شود. تجسد فیزیکی بازنموده‌های فضا، می‌تواند در طراحی شهری، کدها و علایم، ساخت بناهای معماری از جمله یادمان‌ها باشد که به صورت نماد به عنوان ابزاری برای هژمونی عینیت می‌یابد (نمودار ۲) و نهادهای قدرتی با به خدمت گرفتن آنها به معناسازی در فضا می‌پردازند و از این طریق تعیین می‌کنند چه نمادی ارزش به نمایش گذاشتن را دارد، در کجا و به چه شکلی



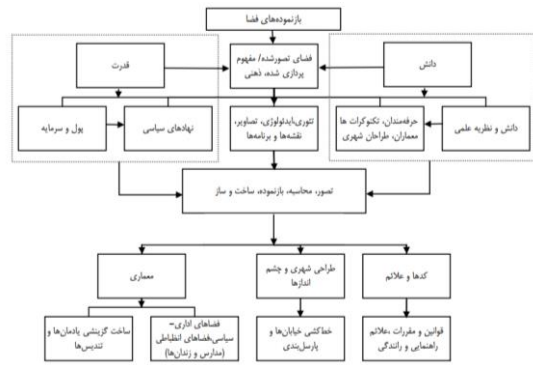
زیادی گذاشت زیرا وی به طور مستقیم بر روند انجام پروژه‌های عمرانی نظارت داشت (کیانی، ۱۳۹۳: ۹۴-۹۶). به طوری که بسیاری از پروژه‌های عمرانی و ساختمانی از جمله ساخت و تأسیس بسیاری از بناها در تهران و حتی شهرستان‌ها مانند، اولین تخریب در دیوار تهران و پرکردن خندق‌ها و حتی قطع کردن درختان مستقیماً زیر نظر او (میرزا صالح، ۱۳۷۲: ۳۰۶) و با اعمال حکومت استبدادی در راستای برنامه‌های تجدیدگرایانه‌اش انجام شد (کیانی، ۱۳۹۳: ۱۰۲). همچنین رضاشاه در برای دستیابی به اهداف سیاسی خود از شهرسازی و معماری به شیوه‌های گوناگون استفاده کرده است. به طوری که در حوزه شهرسازی ایجاد تغییر در ساخت شهر، جانمایی عناصر شهری، ساخت میداين، ساخت ساختمان‌ها به شیوه معماری غربی و شبکه حمل و نقل، همگی از شهرسازی غربی در ایران الگو برداری (صفا منش، ۱۳۷۸: ۲۵۵ و حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۶۲) و توسط کارشناسان و طراحان اروپایی و زیر نظر مجریان نظامی اجرا شد (کیانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). حضور مقتدرانه طبقه نظامیان در تشکیلات حکومتی و دولتی، فعالیت آنها را در همه زمین‌ها، از جمله کارهای عمرانی فراهم نمود (دولت آبادی، ۱۳۶۱، ۲۵۵) که تمامی این تغییرات منجر به ساخت‌وسازهای وسیع و تغییر شکل شهرها (تصویر ۱) در طول دو دهه شد.



تصویر ۱- نقشه شهر تهران؛ الف: دوره قاجار سال ۱۲۲۷ - ب: دوره پهلوی سال ۱۳۲۳ (مأخذ: تهران شناسی)

از آنجا که ساختار نوین حکومتی به ایجاد بناهایی با عملکردهای جدید نیاز داشت در کنار پروژه‌های عمرانی و ساخت بناهای خدماتی رفاهی، آموزشی، بناهایی دولتی با ویژگی‌های امنیتی ساخته شد. تمامی این فعالیت‌های عمرانی تحت نظارت مستقیم نظامیان و در راستای تقویت ساختار قدرت و با اهداف سیاسی و زیر نظر متخصصان اروپایی از جمله آلمان نازی انجام گرفت. در این دوران از دیگر رویکردهای دولت‌های دیکتاتور، به

باید استفاده شود و چه مفاهیم و ایدئولوژی را القا نماید. در این پژوهش بخشی از معماری و شهرسازی دوره پهلوی از منظر فضای مفهوم‌پردازی شده به منظور استخراج معانی و مفاهیم مورد نظر حاکمیت، بررسی می‌شود.



نمودار ۲- مدل مفهومی نیروهای مؤثر بر بازنموده‌های فضا و تولید فضای شهر و معماری (مأخذ: نگارندگان)

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱- معماری، شهرسازی و شرایط سیاسی حاکم در ایران دوران پهلوی

با روی کار آمدن دولت پهلوی در ایران، تغییر در ساختار شهرها و بیشتر از همه شهر تهران آغاز شد. هدف از این تغییر، توسعه کشور و دستیابی به اهداف سیاسی مطلوب حکومت بود. به اعتقاد سیروس باور پیدایی مدرنیسم در اروپا که به واسطه امکانات تکنیکی و مصالح جدید اتفاق افتاد، در ایران با رویکردی متفاوت آغاز شد و ریشه این تغییر و تحولات در حوزه معماری و شهر که منجر به پیدایی مدرنیسم است با رویکرد سیاسی و در راستای سیاست‌های دولت حاکم شکل گرفت. بنابراین در بناهای صنعتی، اداری، حکومتی و بعضاً خدماتی جلوه پیدا کرد (باور، ۱۳۸۸: ۵۶).

رضاخان ضمانت اجرایی کلیه اصلاحات را در داشتن قشون قوی می‌دانست و براساس این دیدگاه ارتش نوین ایران متکی بر نظام سلسله مراتبی شکل گرفت که پدیده‌ای تازه در نظام حکومتی ایران بود و از طریق این ارتش نوین در اندک زمانی تحولاتی صورت گرفت که ناشی از بینش نظامی وی بود. بینش نظامی رضاخان در حوزه اصلاحات عمرانی بر روند پروژه‌های عمرانی تاثیر



نمایش گذاشتن معماری باستانی و باستان‌گرایی بود تا با اتکا به اقتدار گذشته، اقتدار نوین خود را تثبیت نمایند. در ایران نیز این شیوه، دستاویزی برای به نمایش گذاشتن جدول ۱- رویکردهای سیاسی در کاربرد الگوهای معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان)

معانی و مفاهیم	شیوه سیطره بر فضا	مصادیق	نمونه های موردی
حوزه معماری	تاکید بر شکوه و عظمت دوران باستان - بازیابی شکوه و عظمت دوران باستان - مذهب زدایی و اشاعه آئین باستان	ستون‌ها و سرستون‌ها، ورودی‌های رفیع، پلکان‌های عظیم دوران هخامنشی، ارتفاع بلند ساختمان، قوس‌ها و دهانه‌ها، نقوش و حجاری‌های کلاسیک ایرانی، مجسمه‌ها و کنگره‌های بام	بناهای میدان مشق، ساختمان وزارت دارایی - بانک ملی - ایستگاه راه آهن - کاخ شهربانی - شهربانی دربند - بانک ملی - مدارس فیروز بهرام و انوشیروان - ساختمان فرش، آرامگاه فردوسی
	بازنمایی عناصر معماری دوران باستان	ورودی رفیع، ارتفاع بلند ساختمان، بازنمایی طاق و قوس	ساختمان وزارت خارجه - موزه ایران باستان
	سنت زدایی و تجدد و نوگرایی	الگوبرداری از بناهای نئوکلاسیک اروپایی	بنای تلگرافخانه در میدان توپخانه. هشت گنبدان حسن آباد
حوزه شهرسازی	سنت زدایی و تجدد و نوگرایی	پلان‌ها، روابط فضایی، عملکرد فضاها	ساختمان راه آهن، ساختمان سیجر، بانک‌ها و ساختمان های اداری حکومتی
	تاکید بر عظمت و شکوه شاهنشاهی - القاء قدرت و اقتدار - تاکید بر تدوام، استقرار و پایداری حکومت	بالاتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین، ارتفاع بلند بناها، ورودی‌های بلند و مرتفع، استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی در نما، حجم‌های سنگین و طویل، با کشیدگی افقی، پلکان عظیم و سنگین، سرعت در ساخت و ساز در پروژه‌های عمرانی	بناهای اولیه دانشگاه تهران و میدان مشق، ساختمان وزارت دارایی - بانک ملی - ایستگاه راه آهن - بانک‌ها و بناهای اداری حکومتی
	سنت زدایی و تجدد و نوگرایی	الگوبرداری از شهرسازی اروپایی قرن نوزدهم	خیابان‌های چراغ برق، گمرک، یوسف آباد، نازی آباد، نادری، فرمانفرما (شاهپور)، سپه، شمران دزاشوب، اسلامبول، نظامیه، شاهرضا، فردوسی، امیریه - میادین سپه، بهارستان، پهلوی، میدان بار

تحت تأثیر نگرش‌های مختلف، از جمله گذار و دوری از تفکر سنتی یا مذهبی، بازیابی و احیای اقتدار دوره باستان و مدرنیزاسیون، شکل گرفت. در حوزه معماری و

معماری دوران پهلوی حاصل تحولی است که از دوران قاجار آغاز شده بود و با روی کار آمدن دولت پهلوی با سرعت بیشتری پیش رفت. بنیان معماری این دوران



شهرسازی برنامه‌های اصلاحات و نوسازی با اولویت احداث بناهای دولتی توسط سازمان‌های دولتی انجام شد. تمامی تحولات در حوزه معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول بر اساس تفکر متجددانه و غیرسنتی، از جانب ساختار دولتی و در راستای برنامه‌های حکومتی و سیاسی، از طریق تشکیلات نظامی و دولت به عنوان مجری پروژه‌ها پیش رفت. بنابراین در شهرسازی و معماری این دوران شاهد تمرکز بر اندیشه‌های سیاسی و مفاهیم مورد نظر نهاد قدرتی با استفاده از ابزار معماری و شهرسازی هستیم. در جدول ۱ دسته‌بندی رویکردهای سیاسی به کار گرفتن الگوهای معماری و شهرسازی دوران پهلوی اول، معانی و مفاهیم مورد نظر نهاد در قدرت و مصادیق آن ارائه شده است.

گرایش‌هایی که از دوران پهلوی اول آغاز شده بود در دوران پهلوی دوم با دو رویکرد ناسیونالیست‌ها و انترناسیونالیست‌ها ادامه یافت (جواهریان، ۲۰۱۲). که صاحبان گرایش اول با نگاه به معماری گذشته ایران در صدد احیاء سبک‌های معماری سنتی ایرانی با توجه به ارزش‌های محلی و بومی بودند و پیروان گرایش دوم: معمارانی که آثارشان تقلیدی از آثار معماری چاپ شده در مجلات خارجی بود (سیحون، ۱۳۹۶). در این دوره در کنار فعالیت‌های عمرانی، ساخت بناهای دولتی، ساختمان‌های عملکردی، بناهای فرهنگی مانند موزه و فرهنگ‌سرا، شاهد ساخت بناهای یادمانی هستیم. در جدول ۲ رویکردهای سیاسی در کاربرد الگوهای معماری و شهرسازی دوران پهلوی دوم و مصادیق آن دسته‌بندی شده است.

جدول ۲- رویکردهای سیاسی در کاربرد الگوهای معماری و شهرسازی دوره پهلوی دوم (مأخذ: نگارندگان)

معانی و مفاهیم	شیوه سیطره بر فضا	مصادیق	نمونه های موردی
تاکید بر شکوه و عظمت دوران باستان - بازیابی شکوه و عظمت دوران باستان - مذهب زدایی تجدد و نوگرایی	بازنمایی عناصر معماری دوران باستان و معماری ایرانی	بازنمایی عناصر معماری دوران باستان و معماری ایرانی	یادمان های ساخته شده در این دوران از جمله یادمان بوعلی، یادمان خیام، یادمان شهیدادف یادمان ناردشاه افشار
مدرنیته و نوگرایی	الگوبرداری از معماری غربی، معماری مدرن، مصالح ساخت مدرن	پلان و روابط فضایی، عملکرد فضاها، استفاده از مصالح مدرن، ترکیب بندیمترن در تولید حجم و فضا	ویلا سازی و ساخت بناهای مسکونی به شیوه مدرن از جمله: برج های سامان، طرح برج های ونک پارک- ساختمانهای اداری به شیوه مدرن از جمله: کاخ وزارت دارایی، ساختمان وزارت صنایع- فضاهایی با عملکردهای نوین از جمله: فرهنگسرای نیاوران، موزه هنرهای معاصر
سنت زدایی و تجدد و نوگرایی	الگوبرداری از شهرسازی اروپایی قرن نوزدهم	توسعه و گسترش خیابانها و میداین شهری، توسعه شهرها براساس شهرسازی مدرن	میدان آزادی، بلوار کشاورز، خیابان ولیعصر
تقویت اعتبار و نمایش قدرت پهلوی- تاکید بر عظمت و شکوه شاهنشاهی- القای قدرت و اقتدار- تاکید بر تداوم، استقرار و پایداری حکومت	استفاده از القاب و عناوین با رویکرد سیاسی	نامگذاری خیابانها و میداین با نامهای مرتبط با خانواده سلطنتی	خیابان شاهرضا، میداین ۲۴ اسفند، ۲۵ شهریور، فوزیه استفاده از تندیس‌هایی از خانواده سلطنتی در این اماکن

ساخت یادمان‌هایی از شاهان و مفاخر ایران زمین می‌توانست به احیای دوباره فرهنگ و تمدن غنی گذشته

کمک نماید. در این راستا نمایندگان شاه طرح‌هایی را مبنی بر ساخت بناهای یادمانی را برای پادشاهان و



مفاخر ایران، در دستور کار قرار دادند تا از طریق ساخت یادمان‌های گزینشی علاوه بر یادآوری شکوه دوران گذشته، حس قدرشناسی مردم را در مقابل شاهان گذشته و شاهنشاهی دوره پهلوی، تقویت نمایند (مشروح مذاکرات مجلس ملی، ۱۳۳۳). بنابراین یادمان شهید به عنوان نمادی از فرهنگ و تمدن ایران باستان و قدرت پادشاهان ایران ساخته شد. حتی نام آن نیز در راستای اهداف سیاسی و زنده نگه داشتن یاد شاهان انتخاب شد. فکوهی استدلال می‌کند که نام‌هایی که بر کشورها، شهرها، محله‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها و بناهایی با کاربری‌های مختلف گذاشته می‌شود و تحولی که این نام‌ها در طول تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی پیدا می‌کنند نقش بسیار زیادی در تعیین حافظه تاریخی یک پهنه دارند (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۰۶). یادمان شهید که برای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ساخته شد، در راستای دستیابی به این اهداف بود. انتخاب سایت این پروژه نیز در راستای به نمایش گذاشتن قدرت و عظمت سلطنت پهلوی در مسیر فرودگاه و دروازه ورود به تهران از فرودگاه انتخاب شد. زیرا تمامی رهبران سیاسی دنیا و شاهان و شخصیت‌های برجسته سیاسی از فرودگاه مهرآباد وارد تهران می‌شدند و یادمان شهید می‌بایست به عنوان دروازه ورودی شهر تهران عمل می‌کرد و معماری آن باید مفهوم نمادین تاق پیروزی را که مقرر شده بود به تمدن بزرگ منتهی شود، به مدعوبین منتقل کرده و بر آنها تأثیر پایدار بگذارد (جوهریان، ۲۰۱۲). به اعتقاد فکوهی برج آزادی به‌واسطه رخدادهای تاریخی سیاسی و اجتماعی فرهنگی زیادی که در طول تاریخ معاصر ایران سپری کرده است یکی از سیاسی‌ترین فضاهای معماری و شهری ایران است بنابراین به‌عنوان نمونه‌ای موردی از معماری سیاسی دوران پهلوی دوم مورد مطالعه قرار گرفت است که نتایج آن در بخش یافته‌های پژوهش آورده شده است.

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- نمونه موردی یادمان آزادی

یادمان آزادی واقع در میدان آزادی در کانون یکی از اصلی‌ترین راه‌های برون‌شهری و درون‌شهری تهران در

سایتی به مساحت ۳۷۵،۱۲۲ متر مربع، در تقاطع محور شرقی - غربی اصلی تهران، واقع شده است. موقعیت قرارگیری این برج در تقاطع جاده مخصوص تهران کرج و خیابان آزادی که به مرکز شهر متصل می‌شود، با دو خیابان شمالی جناح و جنوبی سعیدی، این برج را تبدیل به نشانه‌ای شهری کرده است. موقعیت جغرافیایی برج که از طرفی به فرودگاه منتهی می‌شود و از طرفی دیگر دروازه ورود به تهران از فرودگاه است به عنوان گذرگاه و آستانه پایتخت عمل می‌کند و در گذشته اصلی‌ترین راه برون‌شهری ورود به تهران از مرزهای زمینی و هوایی بوده است.

این بنا نه تنها به‌عنوان نشانه‌ای در بافت و زمینه خود بلکه از مهم‌ترین بناهای یادمانی دوران معاصر و به عنوان نماد و نشانه‌ای ارزشمند در سطح شهر تهران و کشور ایران شناخته می‌شود. و به‌واسطه همین موقعیت مکانی برج و میدان، در رویدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی (ساسانی، ۱۳۹۱) نقشی فرامنطقه‌ای و ملی در مقیاس خرد و کلان‌شهری پیدا کرده است.

یادمان آزادی از دسته بناها و متنی غیرزبانی است (ساسانی، ۱۳۹۱) که شاهد نمادها و نشانه‌های متفاوتی در نام، موقعیت مکانی و شیوه معماری و تکنیک ساخت آن هستیم زیرا بار معنایی‌اش فراتر از معنای قراردادی آن بوده (فوردهام، ۱۳۴۶: ۴۰) و به‌واسطه رخدادهای تاریخی سیاسی و اجتماعی فرهنگی زیادی که سپری کرده است، در کنار کارکردهای اصلی و ساختاری بنا، کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دیگری به خود گرفته و دگرگونی‌های معنایی فراوان در آن اتفاق افتاده است. یادمان آزادی تداعی‌کننده دوران‌های تاریخی مختلف ایران از جمله ایران باستان، ایران اسلامی و از طرف دیگر نشانگر فرآیند ایران در حال مدرن شدن است. به گفته امانت در طراحی آن جوهره و عمق فرهنگ ایران و تمام دوران تاریخی آن مورد توجه بوده است (امانت، ۱۳۸۶). یادمان آزادی بنایی نمادین برگرفته از عناصر معماری ایرانی با ترکیب‌بندی مدرن است. در این بنا از معماری دوران ساسانی و سلجوقی، الگوی چهارتاقی و باغ‌های دوران هخامنشی الهام گرفته شده است. تاق‌نمای میانی برج ترکیب‌بندی مدرن از تاق‌های ساسانی و اسلامی است و بازنمایی از دروازه تاق کسری،



این مصالح، هم نشانه رویکردی مدرن بود هم ایران در حال مدرن شدن را به همگان نشان می‌داد. بازنمایی عناصر معماری در برج آزادی متأثر از معماری دوران تاریخی ایران در سه دوره: ایران باستان، ایران اسلامی و ایران در حال مدرن شدن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

ورودی کاخ تیسفون است و به نظر می‌رسد به عنوان نمادی از دروازه تمدن ایران و دروازه برای ورود به دورانی جدید است. در نمای درونی برج از بتن که مصالح مدرن است به صورت نمایان با رنگ‌ها و بافت‌های متنوع استفاده شده است. در آن دوران، کاربرد بتن در معماری غرب جایگاه قابل توجهی پیدا کرده بود. استفاده امانت از

جدول ۳- بازنمایی عناصر معماری در برج آزادی متأثر از معماری دوران تاریخی ایران (مأخذ: نگارندگان)

دوره تاریخی	الگوها و عناصر معماری	بازنمایی تاریخی عناصر معماری
ایران باستان	ایده اصلی طرح چهار تاقی	الگوی ازلی معماری ایرانی، چهار تاقی نیاسر
	قوس اصلی وسط برج	نمادی از تاق کسری، دوره پیش از اسلام، معماری ساسانی
	طرح آبنا و فواره‌ها	باغ‌های ایرانی، باغ‌های دوره هخامنشی
ایران اسلامی	قوس بالایی اصلی به شکل قوس شکسته	نمادی از تاق‌های معماری بعد از اسلام
	رسمی‌بندی‌های کار شده بین قوس‌ها	الهام از رسمی‌بندی و مقرنس‌های گنبد‌های مساجد ایران
	گنبد تکیه‌گاه بام و گنبد‌های کوچکتر درونی	بازنمایی مدرن از گنبد‌های مساجد ایرانی الهام از گنبد‌های دوره سلجوقی، مسجد جمعه اصفهان
	پنجره‌های بالای برج	یادآور برج‌های سلجوقی و غزنوی
	کاشی کاری سطح بین دو تاق نما	الهام از کاشی کاری‌های مسجد وکیل شیراز
	نقوش به کار رفته در میدان	الهام از طرح داخلی گنبد شیخ لطف اله اصفهان
	ایران در حال مدرن شدن	ترکیب‌بندی کلی بنا
عملکرد مدرن		مونمانی با کارکرد موزه
مصالح ساخت		استفاده از مصالح مدرن، مانند بتن سفید
تکسچر و بافت مصالح		استفاده از بتن نمایان با رنگ‌های متفاوت ایجاد تنوع بافت در بتن در نمای داخلی

شده است. این بازنمایی‌ها و کاربرد مدرن شده عناصر معماری سنتی در کنار استفاده از مواد و مصالح و تکنیک‌های ساخت نوین، نمادی از ورود ایران به عصر مدرن است. با مطالعه برج آزادی و الگوها و عناصر به کار رفته در آن، نمادها، نشانه‌ها و مفاهیمی که نهادهای در قدرت به دنبال القای آن به کاربران فضا بوده‌اند، استخراج شده است که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

برج آزادی به عنوانی نمادی برای ایران و مونمانی دارای گذرگاه است که تداعی‌کننده دروازه‌های شهر تهران است. در برج آزادی، با تغییر در شکل، ساختار و ترکیب‌بندی عناصر معماری سنتی ایران از جمله تاق، قوس، گنبد و تزئینات برگرفته از معماری سنتی، دوره‌های مختلف تاریخی معماری ایران یعنی ایران باستان، ایران اسلامی، خصوصاً دوره سلجوقی بازنمایی

جدول ۴- شیوه سیطره بر فضا، معانی و مفاهیم مستتر در یادمان آزادی (مأخذ: نگارندگان)

مصادیق	نمادها	معانی و مفاهیم
--------	--------	----------------



انتخاب نام	شهیداد	شاهنشاهی مقتدر ایران باستان	یادآور نام شاهان ایران - تاکید بر شکوه و عظمت پادشاهی ایران باستان - اعتبار بخشی به سلطنت پهلوی
تیموهای معماری برج	استفاده از عناصر معماری ایرانی و دوران باستان (طاق‌های ساسانی، باغهای هخامنشی)	دوران تاریخی ایران - ایران باستان - معماری ایران اسلامی - شکوه و تمدن پادشاهان پیشین - فرهنگ و تمدن کهن ایران زمین	تاکید بر شکوه و عظمت دوران باستان - بازیابی شکوه و عظمت دوران باستان - مذهب‌زایی
	تغییر شکل و ساختار عناصر معماری ایرانی، بازنمایی الگوهای معماری ایرانی هندسه و ترکیب بندی مدرن در حجم معماری استفاده از مصالح نوین ساخت	مدرنیته و ورود به دوران مدرن از طریق بازنمایی معماری ایرانی در قالب مدرن	تجدد و نوگرایی - مدرنیسم
موقعیت مکانی برج	مونمانی با گذرگاه و دروازه	تهران شهر دروازه‌ها - دروازه ورود به تمدن ایران - دروازه ورود به دوران جدید	تجدد و نوگرایی - مدرنیسم
	دروازه ورود به تهران از مرزهای زمینی و هوایی	نمادی از ایران مدرن - نمادی از قدرت شاهان ایران زمین - دروازه‌ای برای ایران مدرن	نمایش قدرت و عظمت پهلوی - تجدد و نوگرایی - مدرنیسم

۲-۸- دگرگونی معنایی یادمان آزادی در دوران پس از انقلاب

پیش از انقلاب، برج شهیداد نمادی از نمایش قدرت و عظمت پادشاهان گذشته، امپراتوری ایران و شکوه و اقتدار تمدن کهن ایران زمین بوده است و شاه ایران با استفاده گزینشی از نمادهای دوران باستان به دنبال زنده کردن شکوه دوران باستان و اعتبار بخشیدن به سلطنت

خود بود. پس از انقلاب و با دگرگونی‌هایی که در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اجتماع اتفاق افتاد، نام برج «شهیداد» به «آزادی» تغییر پیدا کرد. این تغییر نام، دگرگونی معنایی و بار معنایی تازه را به همراه داشت (جداول ۵ و ۶) که بیانگر گذار از دوران شاهنشاهی به جمهوری اسلامی است.

جدول ۵- معانی و تداعی‌های مستتر در یادمان آزادی پس از انقلاب (مأخذ: نگارندگان)

معانی و تداعی‌های مدنظر نهادهای در قدرت	شیوه سیطره بر فضا
نمادی از آزادی و تقابل با سلطه استبداد داخلی نمادی از مقاومت در برابر استبداد نمادی از مقاومت در برابر استکبار جهانی و امپریالیسم	تغییر نام برج از شهیداد به آزادی تغییر در طراح محوطه برج و میدان تغییر در کارکردهای بنا برگزاری راهپیمایی و گردهمایی‌های هدفمند

آزادی داشت. بخشی از این تقابل و تحول از طریق تغییر نام برج و بخش دیگر از طریق انتخاب گزینشی رویدادهایی با کارکرد سیاسی در فضای بیرونی و محوطه برج محقق شد. به عبارتی در این دوران هژمونی ابتدا از طریق تغییر نام برج از «شهیداد» به «آزادی»، به تغییر

این تغییر نام، تداعی‌کننده آزادی در برابر استبداد و بندگی در نظام شاهنشاهی بود. همچنین راهپیمایی‌ها و رژه‌های اعزام نیرو در زمان جنگ ایران و عراق، آن را به نماد مقاومت در برابر استبداد خارجی و امپریالیسم تبدیل کرد (ساسانی، ۱۳۹۱)، که نشان از تقابل استبداد با



معانی موجود در فضا، یعنی آزادی در برابر سلطه نظام شاهنشاهی پرداخت و پس از آن از طریق برگزاری رویدادهای هدفمند از جمله تظاهرات و گردهمایی‌های سیاسی یادمان آزادی را از نمادی شاهنشاهی به نمادی انقلابی تبدیل کرد. از این طریق، برج آزادی فاقد معانی پیشینی خود یعنی تداعی قدرت و سلطه نظام شاهنشاهی

شد و در دوران پس از انقلاب معانی تازه‌ای به آن داده شد. بنابراین هژمونی، نه تنها از طریق ساخت و تولید فضا بلکه از طریق تغییر نام و ایجاد رویدادهای گزینشی هم به القای مفاهیم و ارزش‌های مورد نظر خود و بازتولید فضا پرداخته است و از این طریق سیطره خود را نیز بر فضا حاکم کرده است.

جدول ۶- سیطره بر فضا از طریق نام‌گذاری یادمان، پیش از انقلاب و پس از انقلاب (مأخذ: نگارندگان)

تولید فضا	دوران تاریخی	شیوه سیطره بر فضا	معانی و مفاهیم مدنظر نهادهای در قدرت
فضای تصویر شده، مفهوم پرآزادی شده	پهلوی دوم: برج شهید میدان شهید	انتخاب هدفمند نام برج ساخت دروازه‌ای نمادین در قالب برج گزینش نمادین المان شهری به شکل نماد و نشانه	نام برج یادآور نظام شاهنشاهی نمادی از نمایش قدرت شاه و سلطنت سلسله پهلوی دروازه‌ای برای ورود به تمدن جدید نمادی از عظمت پادشاهان گذشته امپراتوری ایران و شکوه و اقتدار تمدن کهن ایران زمین بازنمایی فرهنگ و تاریخ ایران نمادی از ایران مدرن و فرآیند مدرن شدن
	پس از انقلاب: برج آزادی، میدان آزادی	تغییر هدفمند نام برج تغییر در طراح محوطه برج و میدان تغییر در کارکردهای بنا برگزاری راهپیمایی و پردهمایی‌های هدفمند	نمادی از آزادی و تقابل با سلطه استبداد داخلی نمادی از مقاومت در برابر استبداد خارجی و نمادی از مقاومت در برابر استبداد جهانی و امپریالیسم

۸-۳- بحث

نظریه تولید فضا در مطالعات پیشین از منظرهای مختلف بررسی شده است. دسته‌ای از مطالعات به خوانش و فهم نظریه و سه‌گانه آن پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر، سرمایه‌داری مدرن و زندگی روزمره را مورد واکاوی قرار داده‌اند. در برخی مطالعات هم، نظریه تولید فضا از منظر اجتماعی و بُعد پدیدارشناسانه بررسی شده است. در این بین مطالعاتی با رویکرد بُعد سیاسی فضا صورت گرفته است که نقش هژمونی در تولید و بازتولید فضا را در نظر گرفته است اما در هیچ یک از این مطالعات به‌طور مشخص به بازنموده‌های فضا و شناسایی سیطره هژمونی از طریق معانی و مفاهیم مستتر در لایه‌های آشکار و پنهان، پرداخته نشده است. در این پژوهش، که بخشی از مطالعات جامع‌تر خوانش فضا در معماری

معاصر ایران از طریق نظریه تولید است، با بررسی بازنموده‌های فضا و مصادیق آن در معماری معاصر ایران معانی و مفاهیم در تولید فضای معماری مورد مطالعه قرار گرفته است.

همان‌طور که پیشتر بررسی شد بازنموده‌های فضا نقشی اساسی در تولید فضا دارند و تجسد فیزیکی بازنموده‌های فضا در طراحی شهری و ساخت بناهای معماری عینیت می‌یابد. مطالعه دوران پهلوی مطابق یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که در دوره پهلوی اول این امر، به شکل اقتدارگرایی و به صورت فضایی سلطه‌گر ظهور و بروز عینی یافته است و حاکمیت از طریق تغییر در ساختار شهر، طرح فضاهای معماری به دنبال عینیت بخشی به مفاهیم مورد نظر خود بوده است. به عبارت دیگر دولت پهلوی اول از طریق معماری و



شهرسازی به‌گونه‌ای تجربه ساخت مفاهیم مورد نظر خود را به نمایش گذاشته است. این کار از طریق بازنموده‌های فضا برای برتری نخبه‌های حاکم به‌عنوان فرمانروایان فضا، مورد استفاده آنان قرار گرفته است و از معماری و شهرسازی به‌عنوان ابزار خلق صورت‌هایی از فضا برای القای مفاهیم و درونی کردن ارزش‌های مورد نظر نهاد حاکم استفاده شده است. از آنجا که چگونگی بازنمایی فضا، نحوه استفاده از آن را تعیین می‌کند، بازنموده‌های فضا به‌سان منظومه‌هایی از قدرت، منعکس کننده نیروهای مسلط و هژمونیک در تولید و بازتولید فضا و در راستای معناسازی واقع شده‌اند. به این ترتیب نهادهای در قدرت عصر پهلوی اول از طریق بازنموده‌های فضا در دو لایه آشکار و پنهان به این امر پرداخته‌اند. به‌گونه‌ای که در لایه آشکار با تقلید و بازنمایی معماری باستان و استفاده از عناصر آن معماری، با تأکید بر شکوه و عظمت دوران باستان به دنبال بازیابی آن در نظام شاهنشاهی خود و اعتباربخشی به آن بوده‌اند. همچنین الگوبرداری از بناهای نئوکلاسیک اروپا و معماری و شهرسازی مدرن اروپایی از دیگر ابزارهای دولت در مسیر تجددگرایی و سنت‌زدایی ایرانی بوده است. این امر در لایه پنهان، به شکل ساخت ساختمان‌های مستحکم، عظیم و فاخر و بناهایی دارای روحیه نظامی‌گری محقق شده است که از طریق بالاتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین، ارتفاع بلند بناها، ورودی‌های بلند و مرتفع، استفاده از نشانه‌ها و عناصر خطی در نما، حجم‌های سنگین و طویل، با کشیدگی افقی، پلکان عظیم و سنگین، سرعت در ساخت‌وساز پروژه‌های عمرانی از طریق معناسازی با تأکید بر عظمت، شکوه، قدرت و اقتدار نظام شاهنشاهی، القا کننده تدوام، استقرار و پایداری نظام پهلوی بوده است و حاکمیت از این طریق فضا را به سیطره خود درآورده است.

در دوران پهلوی دوم این امر با توسعه شهرها و احداث بناهای اداری، مسکونی و فرهنگی با رویکردهای مدرن و الگوبرداری از معماری غربی، معماری مدرن و مصالح ساخت مدرن در پلان‌ها، روابط فضایی، عملکرد فضاها، ترکیب‌بندی مدرن در تولید حجم و فضا محقق شده است و دولت از این طریق به اهداف خود در زمینه مدرنیزاسیون و نوگرایی رسیده است. در اینجا تولید فضا

به عنوان ابزاری در راستای اهداف و ایدئولوژی‌های حاکمیت به کار گرفته شده است اما در لایه‌های پنهان سیطره بر فضا به‌صورت تسلط دیداری از طریق هنر در امر شهری در قالب ساخت گزینشی یادمان‌ها و نمادسازی تجلی یافته است. از آنجا که نماد دارای بار معنایی و بیانگر مفاهیم فرهنگی و تاریخی است و می‌تواند حاوی ارزش و معانی خاصی شود بنابراین به عنوان ابزاری ارتباطی بین دولت‌ها و ملت عمل می‌کند که در آن ایدئولوژی‌های فرهنگی خاص، یعنی فرهنگ حاکمیت و نخبه‌های در خدمت حاکمیت، بازنمایی می‌شود. بنابراین دولت پهلوی دوم از طریق نمادسازی با احداث بناهای یادمانی در صدد این امر بوده است. یادمان شهید نمونه‌ای از این دست نمادها است که بار معنایی زیادی را دارا است و هژمونی، با کمک آن سوژه‌ای به مناسبت رویداد تاریخی جشن‌های ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی را بازنمایی و این سوژه را در مکانی با موقعیت استراتژیک جانمایی کرده است تا از این طریق تلویحا و آشکارا حامل پیام‌ها و معانی در راستای معرفی خاندان پهلوی به عنوان میراث‌دار امپراطوری ایران باستان و اعتباربخشی به نظام شاهنشاهی پهلوی باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از دیگر ابزار دولت‌ها برای سیطره بر فضا، نام‌گذاری هدفمند فضاها و برگزاری رویدادهای هدفمند است. زیرا نام‌گذاری، نقش بسیار مهمی در تعیین حافظه تاریخی یک پهنه دارد. تحولی که نام‌گذاری یادمان شهید در طول تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیدا کرده است، تأثیرگذاری آن را به‌خوبی نشان می‌دهد. به‌گونه‌ای که بعد از انقلاب از طریق تغییر نام، شاهد تغییر این یادمان از نمادی شاهنشاهی به نمادی انقلابی هستیم و این مشابه همان نقشی است که تعریف رویدادهای گزینشی بر بافت و زمینه فضا و افکار جمعی کاربران فضا دارد که به عنوان ابزاری قدرتمند برای سیطره بر فضا از طریق هژمونی استفاده می‌شود. این امر در دوره پهلوی اول از طریق نام‌گذاری میدانی مانند توپخانه و برگزاری رژه نظامی و اعدام زندانیان در این میدان‌ها محقق شده است و در دوران پهلوی دوم نام‌گذاری میدانی مانند فوزیه، شاه‌رضا و شهید و برگزاری رویدادهایی مانند جشن ۲۵۰۰ساله، در دوران انقلاب و پس از انقلاب



راهپیمایی‌های سیاسی و ضد شاهنشاهی نمونه‌ای از آن است.

جدول ۷- مقایسه تطبیقی شیوه سیطره بر فضا در دوران پهلوی اول و دوم (مأخذ: نگارندگان)

معانی و مفاهیم مدنظر نهادهای در قدرت	شیوه سیطره بر فضا	دوران تاریخی
مدرنیته- تجدد و نوگرایی- تاکید بر شکوه و عظمت دوران باستان- بازیابی شکوه و عظمت دوران باستان- مذهب‌زدایی و اشاعه آئین باستان- سنت‌زدایی و تجدد و نوگرایی- القای عظمت و قدرت حکومت، شکوه شاهنشاهی- القای قدرت و دوام، استقرار و پایداری حکومت	باستان‌گرایی و نئوکلاسیک ایرانی معماری غربی و نئوکلاسیک اروپایی معماری مستحکم و عظیم و فاخر روحیه نظامی‌گری بناها تاکید بر عملکردگرایی	پهلوی اول
نمادی از نمایش قدرت شاه و سلطنت خاندان پهلوی- دروازه ای برای ورود به تمدن جدید- نمادی از عظمت پادشاهان گذشته امپراتوری ایران و شکوه و اقتدار تمدن کهن ایران زمین- بازیابی فرهنگ و تاریخ ایران- سنت‌زدایی و مدرنیته- تجدد و نوگرایی	بازنمایی الگوهای معماری باستانی ایران گسترش میدان شهری، نامگذاری و استفاده از تندیس‌های یادمانی ساخت یادمان و مونمان الگوبرداری از معماری مدرن غرب ساخت بناهای مدرن اداری، فرهنگی و مسکونی	پهلوی دوم

المان‌ها و نمادهای گزینشی و ساخت یادمان‌ها، معانی و ارزش‌های مورد نظر خود را به کاربران فضا القا کرده است. این روند در دوره پهلوی اول از طریق باستان‌گرایی و نمایش معماری دوران باستان، الگوبرداری از مدل‌های توسعه در شهرسازی اروپای قرن نوزدهم و ساخت بناهای عظیم و رفیع محقق شده است. از طرف دیگر احداث میدان‌ها و نام‌گذاری آنها که به‌طور عملکردی در راستای توسعه شهر بود، دارای کارکردی سیاسی و محلی برای نمایش قدرت و اقتدار نظامی حاکمیت بوده است. موارد فوق بیانگر نمونه‌هایی از شکل‌گیری فضا با رویکرد سیاسی است. به عبارت دیگر نهادهای در قدرت از این طریق درصدد تحقق معانی و مفاهیم مورد نظر خود در فضاهای شهری و معماری این دوران بوده‌اند.

در دوره پهلوی دوم حاکمیت از طریق هنر و معماری به شکل هدفمند تعیین کرده است که چه سوژه‌ها و رخدادهای تاریخی، شایسته بازنمایی عمومی بوده و در چه مکانی باید قرار گیرند تا بیشترین تأثیر را داشته باشند و در این راستا هم‌زمان با توسعه و ساخت بناهای فرهنگی، شاهد ساخت بناهای یادمانی به‌صورت هدفمند هستیم که بار معنایی بیشتری را به همراه دارند. از جمله این بناها، یادمان آزادی است، که در آن از الگوهای

بنابراین در هر دو دوره پهلوی اول و دوم از الگوهای معماری و شهرسازی به عنوان ابزاری برای سلطه بر فضا استفاده شده است. این امر تأثیر نیروهای سیاسی و نهادهای قدرتی در تولید فضا را مشهود می‌سازد.

۹- نتیجه تحقیق

در تبیین لوفور از فضا، بازنموده‌های فضا که همبسته فضای مفهوم‌پردازی شده است، فضایی انتزاعی و ذهنی بوده و دربرگیرنده نشانه‌های پنهان، زبان فنی، رمزگذاری شده و بازنمایی عینی شده‌ای است که توسط عاملان نهادهای قدرتی استفاده و تولید می‌شود و از طریق فضاهایی از جمله بناهای معماری و یادمانی، با اقتدارگرایی بوروکراتیک و سیاست ذاتی آن تجلی عینی می‌یابد. در این جا نخبگان در قدرت از طریق طراحی شهری، معماری و استفاده از المان و یادمان‌ها به صورت نماد، به القای مفاهیم و ارزش‌های مورد نظر خود پرداخته و از این طریق، بر فضا سلطه می‌یابند.

در این پژوهش چگونگی استفاده حاکمیت از فضا برای کارکردهای سیاسی را بررسی کردیم. نتایج مقاله نشان می‌دهد حاکمیت در هر دو دوره پهلوی اول و دوم با شیوه خاص خود، از طریق تغییر در شکل و ساختار شهر یا از طریق فرم و کالبد معماری و چه از طریق استفاده از



- بهمنی، پردیس و الیاس صفاران. ۱۳۸۹. سیر تحول و تطور نقش و نماد در هنرهای سنتی ایران. تهران: پیام نور.
- ترکمه، آیدین. ۱۳۹۳. درآمدی بر تولید فضاهای هانری لوفور. تهران: نسخه الکترونیک نشر تیسرا
- جوان، جعفر، سعید دلیل و محمد سلمانی. ۱۳۹۲. دیالکتیک فضا از منظر لوفور. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. ۳ (۱۲): ۱.
- جواهریان، فریال. ۲۰۱۲. نماد دو پهلوی: برج شهید، میدان آزادی. هنر و معماری. [http://www.memarnet.com/fa/node/221\(1398\)](http://www.memarnet.com/fa/node/221(1398))

• حاجی‌رضا طهرانی، امیر. ۱۳۸۹. تولید جنسیتی فضای عمومی: بررسی گفتمان تفکیک جنسیت در فضاهای عمومی شهر تهران. مطالعات فرهنگی: دانشگاه علم و فرهنگ

• حبیبی، محسن. ۱۳۸۴. شرح جریان‌های فکری معاصر و شهرسازی در ایران معاصر جلد ۲. سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم - کرمان . تهران : سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. جلد ۲.

• حبیبی، محسن . ۱۳۸۶. از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.

• حدیدی، مختار. ۱۳۷۷. پهلوی دوم و نمونه‌های اندیشه‌های باستان‌گرایانه، تاریخ معاصر ایران، ش ۵ <https://www.magiran.com/volume/1582>

• خوانساری، محمد. ۱۳۸۳. منطق صوری. تهران: آگاه.

• دهشیری، محمدرضا. ۱۳۸۳. رسانه و فرهنگ سازی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۲ (۸). <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=103735>

• رشیدزاده، الهام، ارسلان طهماسبی و فواد حبیبی. ۱۳۹۸. فضای معماری در سیطره سرمایه: واکاوی شکل‌گیری فضای معماری از دیدگاه نظریه تولید فضای لوفور. *دوفصلنامه اندیشه معماری*. ۳ (۶): ۲۲۰-۲۰۴.

https://at.journals.ikiu.ac.ir/article_1913.html

مختلف معماری ایرانی و مدرن استفاده شده است و کاربرد این الگوهای معماری در راستای ارائه تعریف جدیدی از ایران در آستانه دروازه‌ای برای ورود به دنیای مدرن و همگام با دنیای غرب، تجدد و مدرنیته و اعتباربخشی به شاهنشاهی خود بود تا از آن طریق ایدئولوژی‌های مورد نظر خود را اعتبار ببخشد. به عبارت دیگر در این دوره هژمونی با استفاده از گزینشی از معماری به‌دنبال بازنمایی ایدئولوژی مورد نظر خود بوده است. بدین معنا که حاکمیت با استفاده از این یادمان تلویحاً و آشکارا پیام‌ها و معانی مورد نظر خود را بر کاربران فضا القا کرده است.

۱۰- تشکر و قدردانی

موردی از طرف نویسندگان مقاله ذکر نشده است.

۱۱- پی‌نوشت‌ها

موردی از طرف نویسندگان مقاله ذکر نشده است.

۱۲- منابع فارسی و لاتین

- آقایی، پرویز، جمیله توکلی نیا، محسن کلانتری و زهره فنی. ۱۳۹۸. تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته. نشریه علمی باغ نظر. ۱۶ (۸۰): ۲۹-۴۰. http://www.bagh-sj.com/article_99237.html
- ازغندی، سید علی‌رضا. ۱۳۸۳-۱۳۸۲. *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷*. چاپ نهم. تهران: سمت.
- اشرفی ریزی، حسین و زهرا کاظم پور. ۱۳۸۶. جغرافیای سیاسی اطلاعات (فاصله‌های بی‌فاصله). تهران: چاپار
- امانت، حسین. ۱۳۸۶. مصاحبه با حسین امانت (۱۳۸۸) http://www.topiranian.com/mosaheb/archives/2007/10/post_51.html
- باور، سیروس. ۱۳۸۸. نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: فضا.
- بحرینی، حسین. ۱۳۷۷. فرآیند طراحی شهری. تهران: دانشگاه تهران.



[%A7%D9%85%D8%A7%D8%AA](#)

[%D8%AF%D9%81%D8%A7%D8](#)

[%B9-](#)

[%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB](#)

[%8C](#)

• فکوهی، ناصر. ۱۳۹۵. برج آزادی، انسان‌شناسی تاریخی فرهنگ ایران مدرن. وبگاه انسان‌شناسی [https://anthropologyandculture.com/%d8%a8%d8%b1%d8%ac-%d8%a2%d8%b2%d8%a7%d8%af-%db%8c-%d8%b4%d9%87%db%8c%d8%a7-%d8%af-%d9%be%db%8c%d8%b4%db%8c/%d9%86\(1399\)](https://anthropologyandculture.com/%d8%a8%d8%b1%d8%ac-%d8%a2%d8%b2%d8%a7%d8%af-%db%8c-%d8%b4%d9%87%db%8c%d8%a7-%d8%af-%d9%be%db%8c%d8%b4%db%8c/%d9%86(1399))

• فکوهی، ناصر. ۱۳۸۳. انسان‌شناسی شهری. تهران: نشر نی

• فوردهام، فریدا. ۱۳۴۶. مقدمه‌ای بر روانشناسی یونگ. ترجمه مسعود میربها. ۱۳۹۰. تهران: اشرافی

• فوکو، میشل . ۱۳۹۰. مراقبت و تنبیه. ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده . ۱۳۹۵. تهران: نی، چاپ نهم

• فیاض، ابراهیم، حسین سرافراز و علی احمدی. ۱۳۹۰. نشانه‌شناسی چشم‌اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی، راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. ۴(۴). <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=183254>

• قوام، عبدالعلی. ۱۳۸۹. چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: قومس چاپ پنجم

• کیانی، مصطفی. ۱۳۸۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

• کیانی، مصطفی. ۱۳۹۳. معماری دوره پهلوی اول. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم

• مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۳، جلسه: ۶۷ صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۴ ذی‌قعدة و جلسه: ۶۹ صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۱ ذی‌قعدة سال . ۱۳۳۳ . کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای

[/Farhad-](#)

[Sasani/publication/308794291_fray](#)

[nd_mnaprdazy_dr_brj_azady_The](#)

[process_of_semiosis_in_Azadi_To](#)

[wer/links/57f267ae08ae91deaa58d2](#)

[c3/fraynd-mnaprdazy-dr-brj-azady-](#)

[The-process-of-semiosis-in-Azadi-](#)

[Tower.pdf](#)

• دولت آبادی، یحیی. ۱۳۶۱. تاریخ معاصر یا حیات یحیی. تهران: فردوسی+ عطار. جلد ۴.

• ستاری، جلال. ۱۳۷۹. در بی‌دولتی فرهنگ، نگاهی به برخی فعالیت‌های فرهنگی و هنری در بازپسین سال‌های نظام پیشین. تهران: مرکز.

• سلطانی، علی و احمد نامداریان. ۱۳۸۹. بررسی تاثیر نیروهای مختلف در شکل‌گیری فضای شهری. هویت شهر. (۷)۵

https://hoviatshahr.srbiau.ac.ir/article_1142.html

• سیحون، هوشنگ. ۱۳۹۶. مصاحبه با سیحون. مغان شهر

<https://moghanshahr.com/%D8%A>

[A%D8%B5%D8%A7%D9%88%D](#)

[B%8C%D8%B1-](#)

[%D8%B1%D9%88%D8%B2/5560-](#)

[%D9%87%D9%88%D8%B4%D9](#)

[%86%DA%AF-](#)

[%D8%B3%DB%8C%D8%AD%D](#)

[9%88%D9%86](#)

• سیحون، هوشنگ. ۲۰۱۴. مصاحبه اختصاصی با هوشنگ سیحون. فرهنگ. ۲۸۶. ونکوور کانادا

• شهری، جعفر، ۱۳۸۳. تهران قدیم. جلد ۱-۴. تهران: انتشارات معین.

• صفامنش، کامران و بهروز . ۱۳۷۸. تحولات معماری و شهرسازی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۹۹ جلد ۲. دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران: بم.

• عسگری، محمود. ۱۳۸۵. ارکان و الزامات دفاع شهری، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۹(۳۱).

<http://ensani.ir/fa/article/105684/%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D9%84%D8%B2%D8>

[%D8%A7%D9%84%D8%B2%D8](#)

[%D8%A7%D9%84%D8%B2%D8](#)

[%D8%A7%D9%84%D8%B2%D8](#)



- Aronowitz, Stanley. 2012. H. Lefebvre's The Production of Space; a Unitary Approach to the City. Space and Time Social Theory. Pilar Ortiz: 1.
- Casey, E. 1997. Fate of Place: A Philosophical History. Berkeley: University of California Press.
- Foucault, Michel. 1977. Discipline and Punish: The Birth of the Prison, Penguin Books.
- Foucault, Michel. 1984. "Space, Knowledge, and Power", in Paul Rabinow, M. Foucault Reader, New York: Pantheon Books
- Gottdiener, M. 1985. The Social Production of Urban Space. Austin, TX: University of Texas Press.
- Gottdiener, M. 1993. A Marx for our time: Henri Lefebvre and the production of space, Sociological Theory. 11(1):129-134. <https://www.jstor.org/stable/201984>
- Gregory, Derek. 1994. Geographical imaginations: Blackwell
- Harvey, d. 1990. 'a manifesto for cyborgs: science, technology and socialist feminism', in nicholson, i.(ed.) feminism/postmodernism, routledge, London: 190-233
- Hirst, P. 2005. Space and Power, Cambridge: Polity Press
- Kam Ng, Mee, others. 2010. Spatial practice, conceived space and lived space: Hong Kong's, planning perspectives journal. 25(4): 411-31 <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/02665433.2010.505060>
- Lefebvre, H. 1991. The production of space, Nicholson-Smith, D. Trans., Cambridge, MA: Blackwell.
- Lefebvre, H. 1991a. The production of space, Translation: Donald

اسلامی، تهران

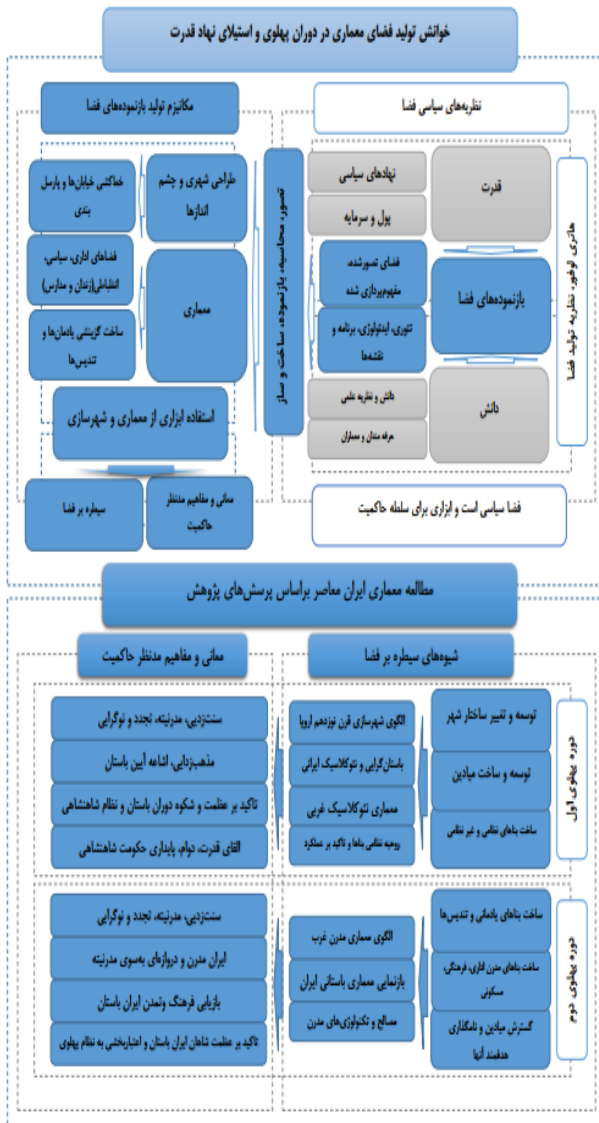
<https://www.ical.ir/ical/fa/Content/%D8%AC%D9%84%D8%B3%D9%87-67-%D8%B5%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D8%B4%D8%B1%D9%88%D8%AD-%D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AC%D9%84%D8%B3-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D9%84%DB%8C-%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%AC%D9%85%D8%B9%D9%87-14-%D9%85%D9%87%D8%B1-%D9%85%D8%A7%D9%87-1351>

- لطفی، صدیقه و عبدالحمید محمدی. ۱۳۹۱. بررسی ارتباط نمادهای شهری با هویت شهر (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس). فصلنامه علمی - مقاله جغرافیا برنامه‌ریزی منطقه‌ای. ۲(۲): ۶۱-۷۰. <https://civilica.com/doc/213597/>
- محمدی، محمود. ۱۳۷۵. تغییر ساختار قدرت در ایران و تغییر شکل شهر. نخستین کنگره معماری و شهرسازی ایران، بم. تهران: میراث فرهنگی
- میرجانی، حمید. ۱۳۸۹. استدلال منطقی به مثابه روش مقاله. صفه. ۲۰(۵۰): ۳۵-۵۰. <https://www.sid.ir/fa/journal/VIEWPaper.aspx?id=122417>
- میرزا صالح، غلامحسین. ۱۳۷۲. رضا شاه، خاطرات سلیمان بهبودی و دیگران. تهران: طرح نو
- یزدانیان، احمد و هاشم دادشپور. ۱۳۹۵. مسئله حضور در فضا: آگاهی و عاملیت فضایی، با تاکید بر فضای عمومی شهری. مطالعات جغرافیایی مناطق خشک. ۲۶(۷): ۷۳-۹۱. <https://www.magiran.com/paper/1768586>



<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/0263775819854765>

۱۳- چکیده تصویری



Nicholson-Smith, Editions Anthropos.

- Lefebvre', H. 1992. Rhythmanalysis: Space, Time, Everyday Life, (Bloomsbury Revelation), Translated by Stuart Elden, New York: Continuum
- Lefebvre, H. 1976. The survival of capitalism (Allison & Busby, London)
- Merrifield, A. 1993. The struggle over place: re-developing american in southeast baltimor, trans. br. geogr. n.s. 18:102-210 <https://www.jstor.org/stable/623071>
- Merrifield, Andy. 2006. Henri Lefebvre a Critical Introduction. Routledge
- Moore, John. 1995. Lefebvre', Henri the Production of Space, interview Introduction to Modernity, London, New York, financial assistance of the French Ministry of Culture.
- Schmid, Christian. 2008. "HENRI LEFEBVRE'S THEORY OF THE PRODUCTION OF SPACE: Towards a three-dimensional dialectic." In SPACE, DIFFERENCE, EVERYDAY LIFE: reading Henri lefebvre, edited by Kanishka Goonewardena, Stefan Kipfer, Richard Milgrom and Christian Schmid, translated by Bandulasena Goonewardena. Routledge.
- Zieleniec, Andrzej. 2018. Lefebvre's Politics of Space: Planning the Urban as Oeuvre, Urban Planning 3(3):5-15. <https://www.cogitatiopress.com/urbanplanning/article/view/1343>
- Kinkaid, Eden. 2019. Re-encountering Lefebvre: Toward a critical phenomenology of social space, Environment and Planning D Society and Space 38(1): 167-186.

دوفصلنامه آندیشة معماری، نشریه علمی، سال ششم، شماره دوازدهم پاییز و زمستان ۱۴۰۱

